



فیش منبر

حضرت ابوطالب علیه السلام

چهار دلیل ایمان حضرت ابوطالب
علیه السلام (مومن آل قریش)

استاد رفیعی

↓ کانال فیش منبر و مرثیه درایتا ↓

<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

- ۱- آثار علمی حضرت ابوطالب علیه السلام
- ۲- رفتار حضرت ابوطالب علیه السلام
- ۳- گفتار حضرت ابوطالب علیه السلام
- ۴- سخنان معصومین در مورد حضرت ابوطالب علیه السلام

یکی از شخصیت‌هایی که کمتر به آن پرداخته شده شخصیت حضرت ابوطالب عموی پیامبر گرامی اسلامی و پدر امیرالمؤمنین (ع) است، گرچه دوستانی دارند همایش بزرگ حضرت ابوطالب را برگزار می‌کنند که انشاءالله این همایش مانند همایش حضرت خدیجه که در حد گسترده‌ای برگزار شد، برگزار شود و تاکنون مقالات زیادی به دبیرخانه این همایش رسیده است. جا دارد در برنامه‌های کوتاه‌تر به موضوع حضرت ابوطالب بیشتر پرداخته شود. این شخصیتی که قربانی بغض امویان با امیرالمؤمنین (ع) شد. یعنی بنی امیه نه تنها می‌خواستند نام امیرالمؤمنین نباشد، بلکه هم پدر و هم مادرش یعنی حضرت ابوطالب و فاطمه بنت اسد را به خاطر بغضی که با امیرالمؤمنین داشتند مورد حمله قرار دادند. تا آنجایی که دست نقل پاره‌ای از روایات مجعول، درباره‌ی این شخصیت بزرگوار زدند و حتی بعضی از این روایات به کتب صحیح اهل سنت راه پیدا کرد و به واسطه اعتباری که آقایان و عزیزان ما برای این کتب قائل هستند حاضر به نقل اینطور روایات نشدند و تا آنجا پیش رفتند که برخی ایمان حضرت ابوطالب مؤمن آل قریش را زیر سؤال بردند.

شخصیتی که ایمان او محکم، استوار و به تعبیر برخی روایات مانند اصحاب کهف که قرآن کریم آنها را مدح کرده و می‌فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف/۱۳) اینها جوانانی بودند که به خدا ایمان آوردند و ما آنها را در مسیر هدایت قرار دادیم. برای تشخیص باورها و اعتقادات و در واقع مذهب یک شخص سه راه وجود دارد، یکی آثار علمی او، دوم رفتارش و سوم سخنانش. ما امروز بعد از گذشت صدها سال از تاریخ اسلام وقتی به قضاوت می‌نشینیم، مثلاً شخصیت حضرت حمزه، شخصیت حضرت ابوطالب یا افرادی مانند ابولهب، ابوسفیان، خالد بن ولید، دهها و صدها نفری که دور پیامبر بودند، موافق و مخالف را خواهیم ارزیابی کنیم، به عنوان یک تحلیلگر و کسی که داده‌های تاریخ را می‌گیریم و از استخراج داده‌ها به یک جمع‌بندی می‌رسیم باید بی‌طرفانه قضاوت کنیم. این قضاوت از سه کانال و منشأ می‌تواند صورت بگیرد.

اول آثار؛ این شخصیت اشعار و کتابی دارد. ما امیرالمؤمنین را از نهج‌البلاغه‌اش می‌شناسیم. از دیوان اشعار و احادیثش، امروز امام حسین را از کجا می‌شناسیم؟ از روایات و رجزها و حرف‌هایی که دارد. دوم از رفتار و برخوردی که با دیگران دارد

و سوم از سخنان و کلماتش. این سه مورد را در مورد حضرت ابوطالب به اختصار عرض می‌کنم.

مورد اول؛ آثار علمی. می‌دانید ایشان شاعر بود و دیوان بسیار قوی دارد که در قرن چهارم شخصی به نام علی بن حمزه این دیوان را بررسی و منتشر کرد. انشاءالله در این همایشی که برگزار خواهیم کرد و امیدواریم امیرالمؤمنین(ع) دعا کنند این همایش به نحو احسن صورت بگیرد، آنجا تمام مورد بحث قرار خواهد گرفت و مجموعه فخری منتشر خواهد شد. یکی از آن آثار شعری حضرت ابوطالب قصیده لامیه است که نود بیت ایشان سروده است و منتشر شده است و در آن قصیده و شعر سخن از توحید و دین و اعتقادات و باورهاست. چگونه می‌شود در ایمان کسی تردید کنیم در حالی که اینگونه می‌سراید و در اشعار به دفاع از دین می‌پردازد.

می‌دانید ابن ابی الحدید در قرن هفتم بود. ایشان از دانشمندان اهل سنت است که معتزلی است. کتابی دارد به نام «شرح نهج البلاغه»، کسی کتابی نوشت در دفاع از ایمان حضرت ابوطالب و این کتاب را به جناب ابن ابی الحدید داد و او با مطالعه این کتاب، اشعاری گفت. عزیزانی که به نجف اشرف مشرف می‌شوید، این اشعار در دو سه جا نوشته شده

است. هم روی ضریح امیرالمؤمنین این اشعار حک شده و هم در گنبد دوار بالای ضریح این اشعار هست و سابق بر این در رواق هم بود. سه جا اشعار ابوطالب را در گذشته نوشتند و الآن به ضریح و بالای سر نجف این اشعار نوشته شده است. ابن ابی الحدید اینطور گفت: «و لولا ابوطالب و ابنه لما مثل الدین شخصاً فقاما» اگر ابوطالب و فرزندش یعنی امیرالمؤمنین نبودند، دین شکل نمی‌گرفت و استوار نمی‌شد. در ادامه گفت: «فذاک بمکة آوی و حامی و هذا بیثرب جس الاماما» یکی یعنی پدر در مکه به دفاع پرداخت و پسر در مدینه. دفاع فرزند و پدر، فرزند در مدینه و پدر در مکه باعث استواری دین شد. گرچه ابن ابی الحدید توقف کرده و صراحتاً در این موضوعی که عرض کردم نظر نداده اما این شعر را در مورد حضرت ابوطالب سرود.

نکته‌ی دومی که ما باورهای حضرت ابوطالب را استخراج می‌کنیم، طرز رفتار او و روایات او از پیامبر اکرم است. شخصیتی که تمام زندگی‌اش را وقف رسول خدا کرد. حضرت ابوطالب بعد از وفات پدر بزرگ پیغمبر خدا متکفل نگهداری از رسول خدا شد و از پیامبر حمایت کرد و حتی در ازدواج با خدیجه کبری خیلی نقش داشت. وقتی پیغمبر مبعوث شد

یکی از کسانی که تمام قد در دفاع از رسول خدا ایستاد، حضرت ابوطالب بود. ایشان عقایدش را مخفی می‌کرد و رسماً اعلام نمی‌کرد من به ایشان ایمان آوردم تا بتواند حفظ کند خودش را و به دفاع بپردازد. همان کاری که اصحاب کهف و مؤمن آل فرعون می‌کرد. ایمانش را در دربار فرعون مخفی می‌کرد اما به دفاع از حضرت موسی می‌پرداخت. نمونه‌هایی را بیان می‌کنم که نشان دهنده‌ی ایمان و باور این شخصیت است. شما را به الغدير علامه امینی ارجاع می‌دهم. علامه امینی پانزده ویژگی از حضرت ابوطالب نقل می‌کند که این پانزده ویژگی هرکدام یک بعدی از شخصیت این بزرگوار را نشان می‌دهد و نشان دهنده ایمان این بزرگوار است. مثلاً سفر شام که رسول خدا را با خود برد قبل از بعثت و نبوت و با راهبی برخورد کرد که به حضرت ابوطالب گفت: در این شخصیت نبوت آشکار هست. یا هنگامی که جناب عبدالمطلب به حضرت ابوطالب وصیت کرد دارم از دنیا می‌روم مواظب این فرزند باش، ایشان به پدر بزرگوارشان عرض کردند: «یا اَبه لا توصني بمحمد فانه ابني» (مناقب ابن شهرآشوب/ج ۱/ص ۳۶) البته اینها قبل از رسالت است. نمی‌خواهد سفارش محمد را به من کنی، او فرزند من است.

بعد از اسلام در کوه صفا که رسول خدا اولین بار دعوتش را از کوه صفا آغاز کرد. وقتی آیه نازل شد، «یا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ» (مدثر/۱و۲) حضرت در کوه صفا آمدند و فریاد زدند: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» ابولهب به پیغمبر حمله کرد و شروع به ناسزا کرد. اول کسی که قبل از حمزه بلند شد و در کوه صفا از پیامبر دفاع کرد، حضرت ابوطالب بود. امکان دارد کسی معتقد نباشد به اسلام و پیامبر از او دفاع کند؟ مرحوم علامه امینی موارد دیگری را ذکر می‌کند در مورد شخصیت حضرت ابوطالب مثل شرکت در ازدواج پیامبر، مثل اینکه به فرزندش جعفر سفارش کرد: پشت سر پسرعمویت نماز بخوان. کسی معتقد به پیامبر نباشد و به فرزندش توصیه کند پشت سر پسرعمویت نماز بخوان. اینها نشان دهنده‌ی ایمان و باورهای حضرت ابوطالب است که فرزندانش در رأس امیرالمؤمنین و بعد حضرت جعفر، اینها ایمان به پیامبر آوردند و حضرت ابوطالب آنها را تشویق کرد.

ایشان روایاتی را از پیغمبر اکرم نقل کرده که یکی را عرض می‌کنم. «حَدَّثَنِي مُحَمَّدٌ ص أَنَّ اللَّهَ أَمَرَهُ بِصِلَةِ الْأَرْحَامِ» (بحارالانوار/ج۳۵/ص۱۱۶) می‌گوید: رسول خدا برای من روایت کرد که خدا به او به صله رحم فرمان داده، بعد گفت:

«وَأَنْ يَعْْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَ لَا يَعْْبُدَ مَعَهُ غَيْرَهُ وَ مُحَمَّدٌ عِنْدِي
 الْمُصَدِّقُ الْأَمِينُ» پیامبر نزد من صدوق و مورد صداقت و
 امین است. در بخش دوم اشاره به وصیت‌نامه این شخصیت
 بزرگوار داشته باشم و در آخرین بخش سخنان ائمه در مورد
 حضرت ابوطالب را نقل کنم. این وصیت‌نامه در منابع آمده
 که روزی که حضرت ابوطالب از دنیا رفت، در سال دهم بعثت
 که همان سال پیغمبر حضرت خدیجه را از دست داد و سال
 بسیار سختی برای رسول اکرم بود و پیغمبر اکرم آن سال را
 سال حزن و اندوه نامیدند. این سفارش‌ها و وصایای حضرت
 ابوطالب است. «يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ أَنْتُمْ صَفْوَةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ»
 (روضه الواعظین/ج ۱/ص ۱۴۰) شما برگزیده هستید ای
 قریشیان! «فِيكُمْ السَّيِّدُ الْمُطَاعُ» در بین شما شخصیتی که
 اطاعتش لازم است، قرار دارد. من ابوطالب در آخرین لحظاتم
 به شما سفارش می‌کنم، ۱- «إِنِّي مُوصِيكُمْ بِوَصِيَّةٍ فَأَحْفَظُوهَا
 أَوْصِيكُمْ بِتَعْظِيمِ هَذِهِ الْبَنِيَّةِ» اولاً به خانه خدا سفارش
 می‌کنم. «فَإِنَّ فِيهَا مَرْضَاةَ الرَّبِّ وَ قَوَاماً لِلْمَعَاشِ» این خانه
 مورد رضایت خداست. یعنی معتقد به پروردگار و رسول
 خداست، موحد است و قبل از اسلام هم موحد بوده است.
 این اعتقاد ماست.

« وَ تَبُوتًا لِلْوَطَاءِ وَ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ » با فامیل ارتباط داشته
 باشید و قطع رابطه نکنید. «فَفِي صَلَاتِهَا مَنَسَةٌ فِي الْأَجْلِ وَ
 زِيَادَةٌ فِي الْعَدَدِ» صله رحم موجب می‌شود شما افزایش عمر
 و مال پیدا کنید. سومین سفارش حضرت ابوطالب این است
 «أَجِيبُوا الدَّاعِيَ وَ أَعْطُوا السَّائِلَ» اگر کسی به شما مراجعه کرد
 و کاری داشت، کارش را راه بیاندازید و اگر تقاضای مال کرد،
 به او بدهید. سائل را رد نکنید. «فَإِنَّ فِيهِمَا شَرَفًا لِلْحَيَاةِ وَ
 الْمَمَاتِ» شرف زندگی و مرگ به این است که انسان
 دستگیری از دیگران نکند. چهارمین نکته فرمودند: «عَلَيْكُمْ
 بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ» راست بگویید و امانت‌دار
 باشید. «فَإِنَّ فِيهِمَا مَحَبَّةً لِلْخَاصَّةِ» اینها باعث می‌شود نزد
 خدا محبوب شوید. «وَ إِنِّي أَوْصِيكُمْ بِمُحَمَّدٍ خَيْرًا» من
 سفارش می‌کنم قدر این پیامبر را بدانید. «فَإِنَّهُ الْأَمِيرُ فِي
 قُرَيْشٍ» ایشان امیر قریش است. اینها نکاتی است که در
 سفارشات حضرت ابوطالب آمده است. در پایان این وصیت
 فرمودند: من در آینده می‌بینم این شخص و مستضعفین و
 مردم عادی، امپراطوری‌ها را از بین می‌برند و پیروز و موفق
 می‌شوند. کسی می‌تواند بگوید العیاذ بالله در ایمان این
 شخص تردید است؟ کسی که این وصایا و رفتار و سخنان را

دارد؟ کسی که این اشعار را دارد؟

اول بحث گفتم: ابوطالب قربانی بغض بنی امیه نسبت به امیرالمؤمنین شد. آنهایی که نام علی را جرم می‌دانستند و آنهایی که بخشنامه کردند در دربار دمشق، اگر کسی محب علی است حقوق او را قطع کنید. اگر کسی فضایی از حضرت علی نقل می‌کند او را زندان کنید. آنهایی که مثل سَمَرَة بن جُنْدَب‌ها آمدند آیاتی که در مورد حضرت علی نازل شده، مثل آیهی «ليلة المبيت» شبی که پیغمبر اکرم حضرت امیر را جای خود قرار دادند، آیه نازل شد «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره/۲۰۷) ببینید بعضی از مردم جانشان را فدا می‌کنند بخاطر خدا، آمدند گفتند: این آیه در مورد ابن ملجم نازل شده، شما چه توقعی دارید از کسی که آیه‌ای که در فضیلت امیرالمؤمنین است و در منقبت ابن ملجم شقی و قاتل ولی خداست، آنوقت ابوطالب از تیغ ذبح او رد شود. معلوم است این روایتی که درباره‌ی حضرت ابوطالب آوردند که ایمان او را زیر سؤال بردند و سند این روایت سند ضعیفی است از کسانی نقل شده که این بغض را نسبت به این شخصیت داشتند. امام صادق فرمود: «مثل أبي طالب مثل أهل الكهف» (مرآت

العقول/ج۲۶/ص۳۶۶) حضرت ابوطالب مثل اصحاب كهف است، «حين أسروا الإيمان و أظهروا الشرك، فأتاهم الله أجرهم مرتين» اصحاب كهف به ظاهر شرك را آشكار مي‌کردند ولي مؤمن بودند و تقيه مي‌کردند. اميرالمؤمنين فرمود: «وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا» (امالي/ص۳۰۵) قسم به خدائي كه پيغمبر را مبعوث كرد، «لَوْ شَفَعَ أَبِي فِي كُلِّ مُذْنِبٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ» اگر پدرم شفيع همه گنهكاران واقع شود، شفاعتش پذيرفته مي‌شود. يعني ابوطالب روز قيامت شفاعت بي‌شمار دارد، مثل انبياء و اين روايت ديگري كه يك كسي نزد امام رضا سخن از عدم ايمان ابوطالب گفت و حضرت رضا(ع) فرمودند: اگر كسي اين سخن را بگويد، مسيرش به آتش جهنم است و اين جاىگاه حضرت ابوطالب(ع) است. دهها كتاب در دفاع از او نوشته شده است. در همائش بزرگي كه برگزار خواهد شد به فضل الهي و اميرالمؤمنين ارائه مي‌شود. شيخ مفيد كتابي دارد به نام «ايمان ابي طالب» كتاب ديگري به نام «الشهاب الثاقب لرجم مكفر ابي طالب» شيخ نج الدين جعفر تهрани، يعني ايمان شهاب ثاقب نور روشن در رد كساني است كه به ابوطالب جسارت كردند. كتاب ديگر «شيخ الابطح ابوطالب» كتابهاي فارسي زيادي هم در

سالهاي اخير در مورد شخصيت ابوطالب(ع) نوشته شده است.

از بينندگان عزيز برنامه سمت خدا تقاضا دارم مقداري بيشتري روي اين موضوع كار شود و تقاضايي از مسجدها و هيأتها و حرمها دارم. وفات حضرت خديجه كبري و وفات حضرت ابوطالب معلوم است. در سالهاي اخير براي شخصيتهايي وفات گرفتيم كه تاريخ وفاتشان معلوم نيست. مثل حضرت عبدالعظيم حسني كه يکوقتي من از رهبر انقلاب سؤال كردم و ايشان فرمودند: به عنوان پزرگداشت خوب است. بالاخره اين شخصيتها روزي از دنيا رفتند و در سال روزي را به اينها اختصاص مي‌دهند. حضرت ابوطالب ۲۶ رجب وفاتش است. بايد به احترام خودش و احترام رسول خدا و احترام فاطمه بنت اسد و اميرالمؤمنين و فرزندان، ايشان پدر دوازده امام است، به احترامش بايد آن روز مراسم گرفته شود و از همين حالا برنامه ريزي شود كه همه مساجد و هيأتها چند شخصيت را در برنامه خود در طول سال بگذارند، يکي حضرت ابوطالب است كه ۲۶ رجب است، يکي حضرت خديجه است كه دهم ماه رمضان است و تجليل حضرت خديجه بايد سراسري و كشوري و جهاني شود و يکي هم

حضرت حمزه سیدالشهداء است که پانزده شوال است. این سه شخصیت، سه شخصیت محبوب رسول خدا بودند. اگر کسی، کسی را دوست دارد باید کسانی هم که او را دوست دارند، باید دوست داشته باشد. امیدوارم این تکریم نسبت به این شخصیت انجام شود.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»

پایگاه برنامه سمت خدا